مدیر سابق روابط عمومی استانداری:

برکنار نشده‌ام، استعفا داده‌ام

به گزارش «توسن» علیرضا براهوئی مدیرکل اسبق روابط عمومی و امور بین الملل استانداری در گفتگو با عصرهامون در خصوص خبر برکناری خود واکنش نشان داد و گفت: این حرف ها درست نیست برکناری در کار نبوده است، بنده خدمات خود را در طول این سالها نشان داده ام.

وی ادامه داد: برخی به دنبال این هستند که جدا شدن بنده از مجموع استانداری سیستان و بلوچستان را برکناری جلوه دهند در صورتی که اینگونه نیست باید فضا را برای جوانان باز گذاشت تا آنها خودشان را نشان دهند.

براهوئی ادامه داد: هیچ کدورت و ناراحتی از مجموعه استانداری ندارم و به خواست خودم و در فضایی کاملا دوستانه از آن مجموعه جدا شدم.

وی با بیان نگرانی فعالان رسانه ای از حضور شخص جایگزین در پست روابط عمومی استانداری سیستان و بلوچستان بیان داشت: بنده همیشه در کنار فعالان رسانه ای بوده ام و امیدوارم شخص بعدی نیز در این جایگاه ارتباط مناسبی با رسانه ها داشته باشد.

گفتنی است علیرضا براهوئی در اسفندماه ۱۳۸۴ و در زمان استانداری حبیب الله دهمرده از امور تربیتی آموزش و پرورش به استانداری سیستان و بلوچستان مامور به خدمت شده بود.

پایگاه خبری عصرهامون از زحمات چندین ساله علیرضا براهوئی در سمت مدیرکلی روابط عمومی سیستان و بلوچستان و تعامل سازنده وی با فعالان رسانه ای استان سیستان و بلوچستان قدردانی می کند.

هیچ مدیر وزارت کشوری در سیستان و بلوچستان برای انتخابات استعفا نداده است

انتخابات
انتخابات
انتخابات

ه گزارش «توسن» به نقل از عصرهامون، حسینعلی امیری قائم مقام وزیر کشور و عضو ستاد انتخابات کشور چندی پیش در گفتگو با یکی از رسانه ها بیان داشت: ۶۳ نفر از مدیران زیرمجموعه وزارت کشور اعم از استاندار، فرماندار و شهردار برای شرکت در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از سمت خود استعفا داده اند.

ناگفته نماند تا پایان زمان شرکت در انتخابات یعنی چهارم تیرماه گمانه زنی های فراوانی در خصوص استعفای مدیران سیستان و بلوچستان منتشر می شد، یکی این اظهارات که رنگ و بوی واقعیت داشت، استعفای شهردار زاهدان برای شرکت در انتخابات مجلس دهم بود.

در حالی این خبر به صورت گسترده منتشر شد و مسئولین شهرداری زاهدان در این مورد سکوت پیشه کرده بودند سکوتی که دیری نپاید و تنها یک روز پس از پایان مهلت استعفای مدیران زیرمجموعه وزارت کشور اعلام شد این استعفا پذیرفته نشده است.

بر این اساس و طبق خبرهای منتشر شده هیچ یک از مدیران زیر مجموعه وزارت کشور در شهر زاهدان از سمت خود استعفا نداده است.

البته ناگفته نماند قائم مقام وزیر کشور گفته بود: از استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، البرز، سمنان، کهگیلویه و بویر احمد و مازندران هیچ مدیری استعفا نداده است.

این مسئله نشان می دهد جریان ها و احزاب حامی دولت در سیستان و بلوچستان چندان نگران حضور نمایندگان آینده و همسو با خود در مجلس پیش رو نیستند و دغدغه ای از این بابت ندارد.

نگاه به کارنامه برخی از نمایندگان فعلی سیستان و بلوچستان در مجلس نشان می دهد آنها کاملا همسو با طیف اصلاح طلب هستند و در بسیاری از موارد خواسته های آنها را دنبال می کنند امری که سبب شده مدیران نزدیک به دولت در استان فکر حضور در انتخابات دهیمن دوره مجلس شورای اسلامی را نداشته باشند.

آقای استاندار!
آیا دو سال برای حل مشکل بحران آب روستاها کافی نیست؟

به گزارش «توسن» به نقل از گندم پرس، همه ساله تابستان که فرامی رسد مشکلات کمبود و قطع آب شرب در برخی از روستاهای سیستان نیز نمود خاصی پیدا می کند , گاها فکر می شد که شاید شیطنت های رسانه ای باشد , اما وقتی به عمق داستان نگاه می کنیم متوجه می شویم که نه تنها شیطنت رسانه ای نیست , بلکه رسانه ها در پوشش آن کوتاهی نیز کرده اند.

این روزها اما بحران کم آبی و بی آبی برای مردم روزه دار شهرستان هیرمند و بخصوص روستاییان شمال این شهرستان بیش از هر زمان دیگری در رسانه های کشور منتشر شده و بدان توجه شده است , مطلبی خطاب به مدیران مربوطه نوشته شده اما کوچکترین عکس العملی از سوی آنان صورت نگرفت , که موجب شد مجدد چند خطی را مزاحم استاندار سیستان و بلوچستان شویم.

جناب مهندس هاشمی استاندار سیستان و بلوچستان , هیچ توجه کرده اید که در دو سال گذشته و خصوصا در یکسال جاری که مشخص بود این مشکل در تابستان بوجود خواهد آمد هیچگونه عملکرد مثبتی از عزیزان مسئول جهت حل مشکل بی آبی روستاییان شمال سیستان , دیده نشده و حال مردم باید در این گرمای طاقت فرسا آب را با گالن به منازل خود برده و مصرف کنند , آنهم آبی برای زنده ماندن , نه آبی برای خنک شدن کولرهای منازل.

پیش ازاین اگر برای روشن بودن کولر آب از قبض برق آن وحشت داشته اند , امروز باید از نبود آب آن نیز وحشت کنند.

آیا دو سال برای حل این مشکل کافی نیست ؟

سوال این است که ایا دو سال برای حل این مشکل کافی نیست ؟ بیاد دارم سال گذشته در جلسه ستاد بحران مردادماه ۹۳ که در فرمانداری زابل تشکیل شد , چاری مدیر وقت آبفا روستایی در جلسه خطاب به شما گفت : .....میلیارد اعتبار بدهید تا این مشکل را بطور کامل و کمتر از شش ماه حل کنیم , متاسفانه در آن برهه به گفته این عزیز هیچ توجهی نشد و گویا در آن روز زمانی که وی صحبت می کرد شما و مشاورانتان تنها در فکر تغییر وی و اینکه چه کسی جانشین وی باید بشود بودید , که حال این مشکل پس از ده ماه به قوت خود باقیست , مشکلی که وی برای آن راه حلی شش ماهه داشت در صورت تامین اعتبار !!

سیرآبی مردم زاهدان و شهر نو از چاه نیمه سیستان و بی آبی مردم سیستان !

چگونه می شود باور کرد چاه نیمه های سیستان , تاکید می کنم چاه نیمه های سیستان بتواند با دو خط لوله زاهدان را و با یک خط لوله شهر نو افغانستان را آب بدهد , اما مردمان خود این دیار در رنج بی آبی بسر ببرند ؟

آیا شده از مدیر آبفا توضیحی بخواهید که چرا این مشکل حل نشده و مشکل چیست که مشکل لاینحل بنظر می رسد ؟ نکند بازهم دچار کمبود اعتبار برای حل مشکلات سیستان کهن شده ایم و یا زبانمان لال اینهم نتیجه عملکرد بد دولت گذشته است و برای اینکه درس عبرت مردم شود که چرا به احمدی نژاد رای داده اند از حل آن سر باز می زنید ؟ و شاید هم به تحریم ها مربوط می شود , تحریم های که خدای را شکر ان شالله در چند روز آینده برطرف شود تا از این دست بهانه ها وجود نداشته باشد ؟

از اتاقهای خنک خارج شوید تا درد مردم را حس کنید

درک این سختی و این رنج برای شما و دیگر مدیران پشت میزنشین شما سخت و دشوار است , شما اگر فرصت نمی کنید حداقل به مدیران ستاد بحران استانداری و یا آبفا روستایی توصیه بفرمائید درهمین شرایط درمحل حاضر شوند و نصف روزی را درکنار این مردم بگذرانند تا شاید از درد بخوبی مطلع شده و بالاخره پس از دو سال فکر چاره باشند

مسکن مهر در غفلت مسئولین جان می‌گیرد!

به گزارش «توسن» به نقل از زاهدانه، اگرچه متقاضیان مسکن مهر در آغاز، گرم لذت خانه دارشدن و وداع با اجاره نشینی بودند اما کم کم مشکلات ریز و درشت در این پروژه، کام بسیاری از آنها را تلخ کرد، افرادی که ماهها در انتظار تکمیل واحدهای مسکن مهر بودند تا کلید خانه امید خود را تحویل بگیرند، دردسرهای زیادی را در قبال آن به جان خریدند.

در طی سالیان گذشته شاهد راه اندازی پروژه های عمرانی زیادی در سطح کشور بودیم که امید پیشرفت را در دل افراد بی خانمان زنده کرد. «مسکن مهر» جزو آن دسته از پروژه‌هایی بود که قصد خانه دار کردن همه مستاجران را داشت، پروژه هایی که علی رغم بی مهری به متقاضیان، آنان را بیش از پیش در منجلاب گرفتاری فرو کرد و هم اکنون با پرداخت قسط های بانکی با مشکلات زیادی مواجه شده اند.

از آن روزها که علی نیکزاد وزیر مسکن، اعلام کرد که جشن خانه‌دارشدن ایرانیان را به‌زودی برگزار می‌کنیم، تا این روزها، زمان زیادی نمی‌گذرد. احساس خوش خانه‌دارشدن که بسیاری از افراد از آن استقبال کردند اکنون با گذشت چند سال از اجرای آن نه تنها سرپناهی برای بی پناهان نشد بلکه عاملی برای افزایش قیمت زمین در طی سالیان اخیر شد و متقاضیانی که برای امرار معاش روزانه خود با مشکلات زیادی مواجه بودند شبانه روز باید در فکر پرداختن وام خانه در موعد مقرر باشند. افرادی که هر چه در بساط داشتد فروختند و با قرض و وام گرفتن امید صاحب خانه شدن را در سر پروراندند اکنون در عمق مشکلات غوطه ور هستند.

در پی تماسی که ساکنان فاز یک مهرشهر چهار با پایگاه خبری زاهدانه داشتند، خبرنگار ما برآن شد تا پاره ای از مشکلات اهالی این منطقه را به گوش مسئولین مربوطه برساند.

کندری به نمایندگی از اهالی مجتمع فاز یک مهرشهر که به پروژه حسینیه شهدا معروف است، در گفت و گو با خبرنگار زاهدانه اظهار داشت: سال ۸۵ که دولت هوای خانه دار شدن را در سر هزاران شهروند پروراند ما نیز اقدام به فروش طلا و ماشین خود کردیم و با قرض گرفتن از اقوام و وام هایی که از بانک گرفتیم اقدام به ثبت نام در این پروژه کردیم، بعد از زمان ثبتنام هرزگاهی باید پول ساخت پروژه ها را واریز می کردیم. پروژه ای که قرار شد با ۷میلیون تومان همه را صاحب خانه کند به یکباره فشار زیادی در پرداخت هزینه ها به افراد کم درآمد جامعه وارد کرد و آنان را در منجلاب قرض و وام به حال خود رها کرد.

وی می گوید: متقاضیان این پروژه به امید خانه دار شدن تمام سختی ها را به جان خریدند تا خانه دار شوند اما در نهایت دولت خانه هایی را به متقاضیان واگذار کرد که فاقد هرگونه امکانات رفاهی و اولیه بود. خانه هایی بدون کابینت، درب و پنجره، موکت، آب و برق، محوطه سازی و آسانسور، حتی شیرآلات خانه ها را خودمان خریداری و نصب کردیم.

ساکنان مهرشهر، توپ سرگردان مابین ادارات دولتی هستند

هر یک از ساکنان مهر شهر در زاهدان برای گرفتن حقشان بارها به استانداری، فرمانداری، تعاونی مسکن مهر، شهرداری، اداره آب و فاضلاب و برق و.... مراجعه کرده اند اما همانند توپی سرگردان میان ادارات پاس کاری می شوند و در نهایت هم جواب قابل قبولی را از متولیان نمی گیرند و با نا امیدی به خانه هایشان بر می گردند. این ساکنان از دوندگی های بی نتیجه و مسئولینی که پروژه ناتمام را با اتمام نمای آن افتتاح کردند، گلایه دارند.

کندری ادامه می دهد: در سال ۹۱ واحدها را بدون برق تحویل متقاضیان دادند که اعضای این مجتمع برای زندگی اقدام به کشیدن یک کابل برق از کارگاه فاز یک مهرشهر کردند. نداشتن آب، سرامیک های خراب، نبود محوطه سازی محلات، رنگ آمیزی های نیمه کاره و نبود آسانسور از دیگر مشکلات اهالی است که بارها برای رفعشان به ادارات نامبرده در بالا مراجعه کرده اما پاسخی از سوی مسئولین دریافت نکردیم.

تنها اقدامی که برای رفع مشکلات ما انجام دادند نصب آیفون ها بود که آنهم تا زمانی که پروژه ها تکمیل نشود بلا استفاده است و بیشتر جنبه نمایشی دارد، از دیگر اقدامات انجام شده در این فاز از مجتمع ها، رفع نقض سرامیک های کف سالن اجتماعات بود.

خانه دار شدن به قیمت از دست دادن فرزند

وی که به نمایندگی از اهالی مجتمع مهرشهر مشکلات را بیان می کند، ادامه داد: برای رفع مشکل آب چندین مرحله به اداره آب وفاضلاب مراجعه نموده ایم که در جواب اهالی گفتند ما ور شکست کرده ایم، پول شمارا تعاون مسکن مهر حسینیه شهدا بالا کشیده شما تا پول را واریز نکنید ما برای انشعاب آب این محدوده وارد عمل نمی شویم و شما باید از همان کنتور حجمی ها استفاده کنید. از آنجایی که برای کنتور تکی اقدام کرده بودیم و به مناسبت های ملی- مذهبی برخوردیم که در آن زمان تعطیلی ادارات بود کنتورهای ما را به مجتمع جوانان هامون و ساختمانهای ده طبقه دادند که باز اهالی شکایت کردند.

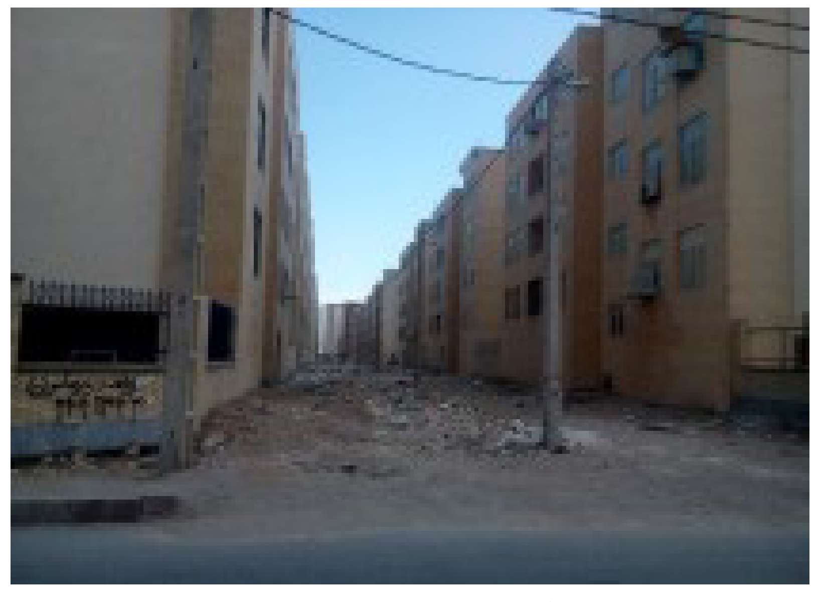

با اینکه ۸۸۵هزارتومان برای آب و ۶۰۰ هزار تومان برای برق واریز کرده ایم که برای هر واحدی کنتور تکی وصل کنند، زمان نصب نیز هر واحد ۲۲۰ هزارتومان جدا برای باکس های برق پول پرداخت کرده است. چرا مسئولین فکر نمی کنند که این همه پول را چگونه یک فردی که کسب و کار متوسطی دارد یا از اقشار کم درآمد جامعه است، باید تامین کند؟

هزینه کنتور حجمی در طی ۳ ماه برای ما یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان آمده است، وقتی ما امکانات نداریم این انصاف نیست، به کجا شکایت خود را اعلام کنیم تا از حق و حقوقمان دفاع کنند؟

کندری در خصوص نصب نبودن آسانسورها هم می گوید: شرکتی که زیر نظر کارگاه فاز یک مهرشهر قرار بود در دیماه سال ۹۳ اقدام به نصب آسانسورها کند تنها یک موتور برای آسانسورها آورد که آن راخود اعضا با جرثقیل به بالای پشت بام کشیدند و اکنون در زیر آفتاب سوزان از بین رفته و تاکنون هیچ خبری از راه اندازی و نصب آسانسورها نشده است.

کدام مسئول می تواند درک کند وقتی برای آب آشامیدنی مورد نیاز یک بانکه ۲۰ لیتری را تا طبقات هفتم یا هشتم می بریم چه زجری را باید تحمل کنیم، نفسهایمان که بالا نمی آید بماند، مشکلات جسمی زیادی برای حمل و نقل کپسول های گاز و بانکه های آب یا حتی اسباب های خانه به طبقات بالا بر اهالی وارد شده است.

وی با اشاره به اینکه مادری فرزند خود را بخاطر نبود آسانسور از دست داد، گفت: خانم نارویی از اهالی ساکنین این مجتمع است که به علت عدم نصب آسانسور از پله ها افتاد، پایش شکست و بچه اش را از دست داد. آیا اگر یکی از خود مسئولین یا اعضای خانواده هایشان در این مجتمع ها زندگی می کردند باز هم تا این حد خونسرد نسبت به رفع مشکلات اهالی برخورد می کردند؟

وی ادامه داد: با وجود نامه‌نگاری‌های متعدد و شکایت به مسکن و شهرسازی اما مشکلی از ساکنان این منطقه حل نشده و همچنان مهر شهر زاهدان با فله ای از زباله، نخاله‌های ساختمانی، نبود خدمات شهری و بی‌مهری رو برو است.

وی خاطر نشان می کند: شهرداری هیچگونه خدماتی در این منطقه ارائه نمی دهد، فرزندان ما در میان انبوهی از زباله و خاک خود را سرگرم بازی می کنند. این همه مشکلات در صورتی است که اگر یکماه از قسط بانک عقب بیفتد و دیرتر واریز کنیم از سوی بانک چندین مرتبه اخطاریه ارسال می شود.

کندری در پایان خاطر نشان کرد: متقاضیان مسکن مهر تمام سرمایه خود را دادند تا سرپناهی داشته باشند، اما این سرپناه هر روز مشکلاتش زیادتر می شود، انصاف نیست که مسئولین به وعده های خود عمل نمی کنند و حق کارگرانی را که با زحمت در گرما و سرما برای تامین مایحتاج زندگی خود در تلاش هستند، ضایع می کنند. چرا باید تقاص درگیری بین ادارات را مردم جوابگو باشند؟

کم‌خونی دانش‌آموزان معضلی جدی در سیستان‌وبلوچستان

به گزارش «توسن» به نقل از ایسنا، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان از کم خونی دانش آموزان استان بعنوان معضل بزرگ و جدی یاد کرد و گفت: مشکل کم خونی وضعیت تحصیلی دانش آموزان را به مخاطره می اندازد و برای رفع این مشکل دانشگاه علوم پزشکی زاهدان با همکاری آموزش وپرورش با اجرای طرح آهن یاری ویژه دختران ششم ابتدایی به بالا به توزیع قرص آهن در سراسر استان پرداخته است.

طباطبایی در کارگروه پایگاه تغذیه سالم بر تجهیز وراه اندازی بوفه های عرضه مواد غذایی سالم در مدارس استان تاکید کرد.

وی بیان کرد: وعده صبحانه نقش موثری در سلامت جسمی وفکری کودکان دارد وثابت شده که بچه‌هایی که صبحانه نمی‌خورند دارای ضریب هوشی پایین تر وقدرت یاد آوری ویادگیری کمتری هستند.

طباطبایی اظهار کرد: تغذیه یکی از مسائلی است که کمک شایانی در یادگیری بهتر به دانش آموزان می کند.

وی تاکید کرد: سالهایی که کودک در مدرسه ابتدایی می‌گذراند از نظر تغذیه دوره بسیار مهمی می باشد زیرا رشد کودک در این سنین ادامه دارد واگر چه سرعت سرعت رشد او کمتر از سالهای اول زندگی است

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان گفت: وجود ۶ هزار مدرسه در سراسر استان سیستان وبلوچستان فرصت خوبی برای فرهنگ سازی قشر آینده کشور است که بتوانیم الگوهای سنتی و محلی و سبک غذاهای سالم برای دانش آموزان را از طریق آموزش به آنان وخانواده هایشان ترویج کنیم.

طباطبایی همچنین بر لزوم توانمند سازی مدیران و مربیان سلامت در مدارس بعنوان افرادی که می‌توانند نقش مهمی را در ترویج تغذیه سالم در بین دانش آموزان ایفاء کنند تاکید کرد.

وی ابراز امیدواری کرد: با حمایت طلبی خوبی که در سطح ملی به مشکل سوء تغذیه استان وجود دارد بتوانیم گام‌های موثری را در ارتقاء امنیت غذایی استان برداریم.

در این کارگروه در زمینه تجهیز بوفه‌های عرضه مواد غذایی سالم در مدارس استان بر اساس دستور العمل پایگاه تغذیه سالم تاکید و مقرر شد مدارسی که جایگاه بوفه مواد غذایی ندارند با کمک خیرین مدرسه ساز و آموزش وپرورش نسبت به ساخت آن اقدام شود.

حفظ امنیت، هدف پرواز شبانه بالگردها در سیستان و بلوچستان

به گزارش «توسن» به نقل از روابط عمومی قرارگاه قدس جنوب شرق، پرواز شبانه چرخ بال‌های هوا فضای سپاه قدس جنوب شرق کشور مستقر در سیستان و بلوچستان با توجه به شرایط موجود و تأمین امنیت در حاشیه مرزهای استان برابر تدابیر ابلاغی به صورت شبانه آغاز شده است.

این چرخبال‌ها به سامانه پرواز در شب و تجهیزات برای عملیات‌های تاکتیکی مجهز شده‌اند، این سامانه جهت حفظ امنیت در شب‌ها و رصد هر گونه حرکت در مرزها راه‌اندازی شده است و هیچ حرکتی از چشم تیز بین نیروهای سپاه دور نخواهد ماند.

قابل ذکر است، در چند شب گذشته پرواز این چرخبال‌ها در آسمان سیستان و بلوچستان باعث انعکاس شایعاتی در شبکه‌های اجتماعی استان شده است که این خبر می‌تواند آب سردی بر همه ای ن شایعات باشد.

گفتنی است با این دوربین‌ها از این به بعد عملیات‌های پروازی شناسایی و رهگیری قرارگاه قدس سپاه پاسداران در شب نیز انجام می شود.

معرفی کتاب:

هشت سال بحران آفرینی اصلاح‌طلبان

۸ سال
بحران آفرینی
اصلاح طلبان

کتاب هشت سال بحران آفرینی اصلاح‌طلبان

نویسنده: سلمان علوی نیک

انتشارات: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام‌خمینی، نظام سیاسی جدیدی را تحت عنوان «جمهوری اسلامی» جایگزین نظام سلطنتی کرد. این طرح حکومتی مبتنی بر نظریه‌ی ولایت فقیه در عصر غیبت امام زمان(عج) است که بر اساس آن، فقیه عادل با پذیرش مردم در رأس قدرت سیاسی قرار می‌گیرد و ضامن اسلامیت نظام سیاسی است. جمهوریت نظام سیاسی نیز با حضور مردم در تمام صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که نحوه‌ی آن از طریق ساختارهای حقوقی و قانون اساسی مشخص شده است، بروز می‌یابد. تلفیق اسلام و جمهوریت در جمهوری اسلامی یک الگوی ابتکاری بوده که تاکنون چنین الگویی در کشور حاکمیت نداشته است. در چارچوب چنین بینشی شکل‌گیری احزاب سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته، فعالیت سیاسی آنها در چارچوب کلی قانون اساسی رسمیت می‌یابد.

بر اساس همان بینش، فعالیت احزاب سیاسی در این نظام سیاسی نمی‌تواند ساختارشکن باشد و چنین فعالیتی بایستی تحت حاکمیت قانون اساسی و اصول تغییرناپذیر آن صورت پذیرد. پس از انتخابات هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در ایران در سال ۱۳۷۶ و پیروزی کاندیدای مورد حمایت جریان‌های موسوم به «جناح چپ» در انتخابات مذکور، حزب مشارکت به مثابه یک حزب دولتی شکل گرفت که در واقع پایگاه حاکمان پیروز انتخابات و یا حزب حاکم تلقی می‌شدند. مبانی فکری و رفتار سیاسی مؤسسین این حزب را می‌توان در تأکید بیش از حد بر «جمهوریت» نظام و بی‌اعتمادی یا مخالفت شدید با «اسلامیت» تصریح شده در قانون اساسی خلاصه کرد، که این مخالفت و بی‌اعتنایی از طریق مخالفت با نهادهایی صورت می‌گرفت که سمبل بُعد اسلامیت نظام جمهوری اسلامی بودند؛ به همین دلیل اقدامات افراد مهم حزب مذکور به شدت از طرف مخالفان سرسخت خارجی جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار می‌گرفت. در این اثر، نویسنده‌ی محترم با استناد به آثار برجای مانده از مهم‌ترین اعضای حزب مذکور به تحلیل عملکرد آن پرداخته است و این تحلیل را در چارچوب اندیشه‌ها و افکار بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام‌خمینی، به عنوان معیار اصلی هویت این نظام نوپا به انجام رسانیده است

اصلاح‌طلبان و پروژه تقدس‌زدایی از امام

قسمت ۲

به گزارش «توسن»، در ادامه این گزارش به بررسی ابعاد مختلف پروژه ای که از آن به عنوان «تقدس زدایی از امام و اندیشه وی» یاد می شود می پردازیم تا نسبت جریان های مختلف با این رویدادها و توهین کنندگان به اندیشه های امام خمینی (ره) مشخص شود؛ بدون شک بررسی تاریخی وقایع مشابه کمک بیشتری به دیده شدن زوایای پنهان این موضوع خواهد داشت.

پیش از بررسی این موضوع پیشاپیش از بازخوانی برخی اظهارات توهین آمیز به ساحت مقدس امام راحل پوزش می طلبیم.

آغاجری؛ از اهانت به مراجع تا تمسخر امام در حضور اصلاح طلبان!

چهره جنجالی عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با سخنرانی توهین آمیزش در سال ۱۳۸۱ و توهین به مراجع و موضوع تقلید در اذهان جامعه ماندگار است.

هاشم آغاجری که ۲۹ خرداد سال ۱۳۸۱ به دعوت شورای هماهنگی نیروهای دوم خرداد همدان به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر شریعتی در مراسمی با عنوان پروتستانیزم اسلامی و دکتر شریعتی حاضر شد و به بیان نظراتی درباره دین اسلام و تقلید پرداخت.

آغاجری در سخنان خود گفته بود: «دین‌شناسان با مردم رابطه معلم و متعلم است، نه رابطه مراد و مرید، رابطه مقلد و مقلد، که مردم از او تقلید بکنند، مگر مردم میمون هستند که از او تقلید بکنند، متعلم می‌فهمد و بعد عمل می‌کند و بعد سعی می‌کند این فهم خود را رشد بدهد تا روزی خودش بی‌نیاز شود از این معلم، خودش بتواند مستقیم مراجعه کند و استنباط بکند و درک نماید»

این اظهارات وی موجب اعتراض گسترده علما و روحانیون در شهرهای مختلف شد و در نهایت آغاجری روانه زندان گردید.

البته هاشم آغاجری چند سال بعد از زندان آزاد شد و در همان مراسمی که از اکبر گنجی به عنوان پیشکسوت روزنامه نگاری تقدیر شد شرکت کرد و به نیابت از مسعود بهنود جایزه وی را دریافت کرد.

آغاجری در نشست تجلیل از گنجی به نیابت از مسعود بهنود جایزه وی را دریافت کرد

اما این پایان اظهارات جنجالی وی نبودو هاشم آغاجری عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب چندی بعد در بهمن ماه سال ۱۳۸۷ اینبار در حضور اصلاح طلبان به اندیشه های امام توهین کرد.

وی که در منزل عبدالله نوری و با موضوع «اخلاق سلطه و اخلاقی رهایی» سخن می گفت، ضمن تمسخر و هتاکی به ساحت مراجع عظام تقلید، علما و فقها تصریح کرد: «در حکومت ما از هیچ فقیهی، حکمی پیرامون مسایل اخلاقی و کرامت انسانی ندیدیم و تمامی موارد در جهت خرد کردن انسانیت و سلطه‌پذیری بوده است.»

آغاجری در ادامه با اشاره به بخشی از سخنان امام خمینی(ره)خاطرنشان کرد: «مشهور است که بنیانگذار انقلاب گفته ما مامور به انجام وظیفه هستیم نه نتیجه که این یعنی ما به نتیجه کاری نداریم و فقط وظیفه خود را انجام می‌دهیم. خواه این وظیفه درست و خواه نادرست باشد.»

آغاجری سپس با تمسخر، ضمن اشاره به جمله‌ای دیگر از بیانات امام راحل (ره) ادعا کرد این جمله با بیان پیشین امام(ره) در تناقض است: «بنیانگذار انقلاب در جای دیگری گفته است که حفظ نظام از اوجب واجبات است که این دو جمله در تضاد آشکار با همدیگر هستند.»

آغاجری در بخش دیگری از اظهارات خود با متهم کردن جمهوری اسلامی به استبداد و سلطه‌گری عنوان کرد: «نمی‌توان هم وظیفه‌گرا بود و هم به هر قیمتی که شده، نظام را حفظ کرد زیرا ممکن است ما در حفظ نظام، متوسل به زور و استبداد و سلطه شویم و این در تضاد آشکار با اخلاق است.»

اما این سخنان که در جمع تعدادی از اعضاء گروهک نهضت آزادی، تعدادی از مدیران دولت سابق و جمعی از نمایندگان مجلس ششم بیان می‌شد، تنها با واکنش آرام یکی از حضار که از اعضاء سابق دفتر امام راحل(ره) بود، مواجه شد.

بنابر گزارش رسانه ها از این جلسه انصاری راد، ابراهیمی ، جماعتی، ابراهیم یزدی، عطریانفر ، سعید لیلاز، اعظم طالقانی، مرتضی مبلغ، صفری و چند تن دیگر از اصلاح طلبان نیز حضور داشتند.

آیا اصلاح طلبان «واقعا» با هتاکان به امام (ره) نسبتی ندارند؟

عیسی سحرخیز اما تازه‌ترین نمونه توهین به خط و جایگاه امام (ره) است. البته وی پس از آزادی از زندان در صفحه اجتماعی شخصی خود بارها انتقادات تندی را خطاب به جمهوری اسلامی و مسئولان ارشد نظام اظهار کرده است.

دیدار سحرخیز و گنجی با مرحوم منتظری

در این میان برخی اصلاح طلبان سعی کردند سحرخیز را فردی معرفی کنند که خود را منصوب به جریان اصلاح طلبی می‌داند و برخی نیز سکوت را به هرگونه اظهارنظری ترجیح دادند.

داریوش قنبری یکی از فعالان اصلاح طلبی است که با اشاره به اظهارات سحرخیز می گوید: «قاطعانه می‌گویم هر تفکری که دیدگاه امام (ره) را قبول نداشته باشد و بخواهد فراتر از چارچوب‌های نظام حرکت کند از اصلاحات خارج است.»

وی ادامه می دهد: «هر دیدگاهی بخواهد مقابل امام (ره) باشد و مخالف تفکر ایشان باشد آن تفکر اصلاح‌طلبی نیست؛ بهتر است کسانی که اینگونه اظهارات را بیان می‌کنند عنوان اصلاح‌طلب را برای خودشان انتخاب نکنند و عنوانی که متناسب با خودشان و اظهاراتشان است را انتخاب کنند.»

از سوی دیگر حمیدرضا جلایی پور سعی می کند تبعات اظهارات سحرخیز را با روشی دیگر از اصلاح طلبان دور کند.

دیدار هادی خامنه‌ای از اعضای تاثیرگذار مجمع روحانیون مبارز با سحرخیز در بیمارستان

وی در بخشی از مصاحبه خود با سایت جماران با بیان اینکه اگر امام هنوز زنده بود اصلاح طلب بود، با اشاره به اظهارات سحرخیز می گوید: « آیا تشکل هایی مانند مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب کارگزاران از امام برائت جسته‌اند و از امام دور شده‌اند؟ اتفاقا نزدیک‌ترین یاران امام راهبران اصلی جریان اصلاحات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دموکراسی‌خواهی‌اند.»

این اظهارات در حالی مطرح می شود که عیسی سحرخیز جدای از مسئولیتی که در دولت اصلاحات داشت بارها مورد حمایت این جریان و حتی شخص سید محمد خاتمی قرار گرفته است.

خاتمی در زمانی که سحرخیز در زندان به سر می برد و اعتصاب غذا کرده بود طی یادداشتی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت سحرخیز از وی می خواهد که اعتصاب غذای خود را بشکند.

در بخشی از این یادداشت آمده: «بسیار متأسفم که با وجود بیماری و علی‌رغم مخالفت پزشکان، مجدداً به زندان اعزام شده‌اید و این کم‌توجهی مسئولان به هیچ وجه قابل قبول نیست.»

بنابر این گزارش، اصلاح طلبان طی چند روز گذشته تلاش کردند خود را پایبند به خط امام نشان دهند و اظهارات سحرخیز را فردی و خارج از اردوگاه اصلاحات معرفی کنند، اما مرور رفتار و عملکرد اصلاح طلبان در مقابل کسانی که بارها و بارها در بررسی اندیشه های امام پا را از نقد فراتر گذاشته و به توهین روی آورده اند، نمی تواند چهره این جریان سیاسی را به طور کلی پاک نگه دارد.

جریان «تقدس زدایی از امام و اندیشه وی» به مرور اوج خواهد گرفت و اصلاح طلبانی که خود را مدعی خط امام (ره) و اندیشه های ایشان می دانند نیز به مرور زمان در برابر اظهارات به مراتب تندتر علیه خط امام از سوی برخی چهره های هم مسلک شان قرار خواهند گرفت.

نامه خاتمی به سحرخیز برای شکستن اعتصاب غذا

حال باید دید، آیا مهر سکوت، توجیه و (با نگاهی بدبینانه) حمایت از هجمه کنندگان به خط امام بر پیشانی اصلاح طلبان خواهد نشست یا خیر!

منبع: فارس

معرفی کتاب:

چهل تدبیر

یک کتاب سیاسی-تاریخی فوق العاده که حوادث مهم بعد از انقلاب اسلامی را تبیین کرده است. چهل حادثه مهم و چهل تدبیر که از سوی امام خمینی ره و امام خامنه ای تدبیر شده است و کشتی انقلاب اسلامی را به سلامت از آنها گذرانده اند. خواندن این کتاب برای همه مخصوصا نسل جوان و دانشجویان و فعالان فرهنگی، سیاسی و دانشجویی و همه کسانی که دوست دارند حوادث سیاسی مهم سه دهه اخیر را بدانند توصیه می شود. اختصار، دسته بندی و عکس های مرتبط و رنگی از ویژگی های این کتاب است.

نویسنده این کتاب را به اختصار اینگونه معرفی می کند:

«کتاب «چهل تدبیر» گزیده‌ای از مهمترین وقایع تاریخ جمهوری اسلامی ایران، از سال های ابتدایی پیروزی غرورآفرین انقلاب اسلامی تا شاهرگ اصلی انقلاب اسلامی در سالهای اخیر یعني پرونده هسته‌ای است.

مداقّه در تاریخ پرفراز و نشیب جمهوری اسلامی ایران، احساس تدبیری همیشگی با پشتوانه اندیشه‌ای ناب را برای انسان تداعی می‌کند که توانسته است این امانت سترگ را از تنگناهای تاریک به سوی آینده‌ای روشن رهنون سازد.

مجموعه تدابیر و چاره‌اندیشی‌های نظام برای حفظ حیات خویش به هنگام غائله‌ها و بحران‌های مختلف اندیشیده است، نگارنده را بر این داشته است تا در مجموعه‌ای با عنوان «چهل تدبیر» به بررسی بخشی از این تاریخ پر افتخار جمهوری اسلامی بپردازد.

این چهل پرونده شامل جریان‌هایی است که تاکنون نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است و با لطف و عنایت خاص حضرت رحمان و سربازان نام آشنا و گمنام امام زمان، به صحنه قدرت‌نمایی و نمایش کارآمدی نظام اسلامی بدل شده است.»

۲۱ مورد از این چهل پرونده مربوط به حیات سیاسی امام راحل(ره) و ۱۹ مورد آن مربوط به دوران زعامت مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) است. به یقین هریک از این دو مقطع زمانی، دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به‌فرد خود است که هیچ‌یک بر دیگری ترجیح و برتری ندارد؛ چرا که هر غائله و فتنه در هر زمانی بر اساس شرایط زمانی و مکانی مختص خود طراحی می‌شود که تدبیری از جنس زمان و مکان خود را می‌طلبد.

خرید از فروشگاه اینترنتی

http://bookroom.ir و فروشگاه کافه کتاب آسمان زاهدان(خیابان طالقانی-روبروی مخابرات)

مناظره کوشکی و زیباکلام پیرامون حادثه ۱۲ تیر

دلایل عجیب زیباکلام در دفاع از آمریکا

واقعه‌ای که در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ در آبهای نیلگون خیلج فارس رخ داد دل هر ایرانی و بلکه هر انسان آزاده‌ای که در دنیا را غمگین کرد. کشته شدن ۲۹۰ زن و مرد و کودک حادث‌ای نیست که به توان به راحتی از کنار آن گذاشت. حال بگذریم که مدعیان حقوق بشر (چه خارجی و چه ایرانی که به مزدوران غرب تبدیل شده‌اند) در این زمینه سکوت محض کرده‌اند.

حال پس از گذشت ۲۵ سال خبرگزاری فارس در نظر دارد برای مشخصد شدن ابعاد سیاسی این ماجرا و پاسخگویی به تمامی شبهاتی که در این زمینه مطرح شده مناظره‌ای مابین آقایان دکتر صادق زیبا کلام و محمدصادق کوشکی که هر دو عضو هئیت علمی دانشگاه تهران هستند برگزار نماید.فرازی از این مناظره را میخوانیم:

کوشکی: حمله ناو آمریکایی وینسنس به هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی از چند زاویه باید به آن توجه شود. اولین مسئله، مسئولیت‌های ناشی از اقدامات است. یعنی هر کشوری وقتی اقداماتی را انجام می‌دهد باید متوجه مسئولیت‌هایش باشد و طبق آن مسئولیت‌ها رفتار بکند. نکته‌ای که در خصوص حمله ناو وینسنس به ایرباس ایرانی را باید در نظر گرفت این است که دولت آمریکا در این خصوص مسئولیت رفتار خصمانه‌ای که اتفاق افتاده را بر عهده بگیرد.

رفتار خصمانه یعنی چه؟ یعنی به یک هواپیمای مسافربری حمله شده و در آب سقوط کرده است و ۲۹۰ نفر مسافر در آن کشته شدند. خُب آمریکا باید مسئولیت این رفتار را در همه ابعاد آن بپذیرد. که این واژه «همه ابعاد»، یک استانداردهای بین‌المللی دارد.

مثلا در جریان حمله شوروی سابق به هواپیمای کره جنوبی کار به شورای امنیت کشیده می‌شود و آنجا می گویند علیرغم اینکه هواپیمای کره جنوبی ۵۰۰ کیلومتر در خاک شوروی بوده و به آن هم اخطار داده شده -براساس اطلاعات جعبه سیاه هواپیما- و شوروی پس از اخطار به آن حمله کرده است، با این حال شوروی سابق مقصر شناخته شد.

مورد دیگر اینکه آمریکایی‌ها تلاش کردند که از کنار این رفتار خیلی عادی بگذرند و آن را اشتباه جلوه بدهند. واکنش آمریکایی‌ها در مورد این عمل به چند صورت بود. اول آمدند و گفتند که به نظر رسیده که دو جنگنده F14 ایرانی حمله کرده و ناو وینسنس از خودش دفاع کرده. این اولین واکنش کاخ سفید بود. گزارش‌هایی هم منتشر کردند که ناو وینسنس در آب‌های بین‌المللی بوده و چند کشتی تجاری در آن منطقه از جمله نفتکش سویل و ... - مشخصات و اطلاعات فنی ذکر کردند- مورد هدف قایق‌های توپدار سپاه قرار گرفته و ناو وینسنس در حالت رزمی و در حال دفاع از خودش بوده و در همان حال متوجه هواپیماهای جنگی می‌شود که در حال کاهش ارتفاع و حمله به آن بوده که ناو از خودش دفاع کرده است.

واکنش بعدی آمریکایی‌ها این بود که می گفتند ما به اشتباه فکر کردیم که آن هواپیمای F14 بوده. چرا؟ چون ایرباس ایرانی از دالان هوایی خودش خارج شده و به اعلام خطر ما پاسخ نداده، لذا مجبور بودیم که آن را مورد اصابت موشک قرار دهیم. دوباره این موضع عوض میشه، چون خود سنای آمریکا و خبرنگاران آمریکایی علاقمند می‌شوند که واقعیت را بدانند. و این ماجرا جلو می‌آید تا اینکه در نهایت این موضوع در کمیسیون تحقیق سنا مطرح می‌شودو اعلام می کنند که اولاً هواپیمای ایرانی در ۹ مایلی جزیره هنگام بوده و این را تصریح می کنند. در ثانی ناو وینسس هم در آبهای ایران بوده.

زیبا کلام: آنچه که بنده می‌خواهم بگویم این است که اصلا و ابدا و مطلقا این گونه نبود.

زدن آن ایرباس هیچ ربطی به این که ما ۵۹۸ را بپذیریم یا نه نداشت. این نکته اول. این واقعه کاملا تصادفی بود و با نقشه و آگاهی قبلی نبود و باز برخلاف آنچه که ما در ایران مطرح می‌کنیم و من معتقدم که به دروغ هم مطرح کردیم که به فرمانده ناو وینسنس آقای راجرز برای این کارش مدال داده شده.

اجازه بدهید من از همین جمله آخر شروع بکنم. نسبت به آقای دکتر کوشکی که ارادت دارم، ایشان استاد دانشگاه هستند. خود من هم به هر حال یک درسی می‌دهیم. به هر حال هر دوی ما دانشگاهی هستیم. یعنی هیچ کدام از افراد این جلسه سابقه و اطلاعات نظامی نداریم.

فرض بگیرید ما به خانه یکی از دوستانمان دعوت شده‌ایم. بعد می‌بینیم که یک تابلو و عکس از یک فرد نظامی بر روی دیوار خانه نصب شده است و یک حمایل یا مدال هم به آن آویزان است. از دوست میزبانمان می پرسیم که این آقا در تصویر چه کسی است؟ او هم می‌گوید: این پدربزرگ یا برادر و یا پدرم هست. بعد از او می‌پرسیم که این مدالی که به او آویزان است، چیست؟ او به ما می‌گوید که این مدال را صاحب عکس در جنگ واترلو یا جنگ جهانی اول و یا دوم و ... کسب کرده. ما می گوییم خب چقدر عالی، بزرگترین مدال افتخار مثلا ایران و یا هر کشور دیگر به او داده شده است. بعد به او می‌گوییم که این پدر شما و یا برادر شما چقدر آدم با شهامتی بوده که توانسته این مدال را بگیرد.

مجدد از او می‌پرسیم که او برای چه کاری این مدال را دریافت کرده است؟ میزبان به ما می گوید: صاحب مدال فرمانده یکی از پیشرفته‌ترین ناوهای نیروهای دریایی آمریکا بود و خب ما گوش‌هایمان را تیز می کنیم که بدانیم مثلا او شش ناو دشمن را به عقر دریا فرستاده و یا ۲۰ هواپیمای دشمن را زده است و ...

میزبان رنگ صورتش عوض می‌شود و می‌گوید که صاحب مدال، این را به دلیل زدن هواپیمای مسافربری گرفته است.

آقایان؛ چه در جمهور اسلامی ایران و یا در هر کشوری در دنیا زدن هواپیمای مسافربری برای ناو وینسنس که آن موقع پیشرفته‌ترین جنگ افزار آمریکا بود به لحاظ داشتن رادارهای پیشرفته و ... خیلی افتخار ندارد که به فرمانده آن یک مدال بدهند.

* کوشکی: اگر میشه در این زمینه مستندات خود را هم بگویید.

* زیبا کلام: مستند این است که ما ۲۵ سال است می‌گوییم به فرمانده ناو مدال دادند.

* کوشکی: شما می‌گویید که این ادعا درست نیست.

*زیبا کلام: من نه می‌گوییم این کار غلط بوده و نه می‌گویم درست بوده. من هیچ چیز نمی‌گویم.

*کوشکی: شما می‌گویید که این مدال داده شده به راجرز برای زدن هواپیما نبوده.

*زیبا کلام: من می‌گویم ۲۵ است که می‌گوییم به فرمانده ناو وینسنس مدال دادند. من می‌گوییم کاری نداریم که او آمریکایی، ترک، عرب، افغانی و ... است. ما می‌گوییم مدال را برای چی به او دادند؟ پاسخ این است که مدال را به این فرمانده شجاع و لایق دادند چرا که یک هواپیمای مسافربری را با موشک زده است.

بنده می‌خواهم بگویم که هیچ فرد نظامی در هیچ نظام و کشوری برای مدالی که به خاطر زدن هواپیمای مسافربری باشد افتخار نمی‌کند. حتی آمریکایی‌های وحشی، حتی آمریکایی‌های دزد و نفهم، حتی آمریکایی‌های عقب افتاده، حتی آنٍ آمریکایی‌ها هم خیلی افتخار نمی‌کنند. یعنی اصلاً مسخره است.

* کوشکی: آقای دکتر شما برای حرف‌هایتان هیچ سند نمی‌آورید.

* زیبا کلام: من هیچ سندی ندارم و بر اساس دو دوتا چهارتا می‌گویم. من می گویم در کجای دنیا به کسی که هواپیمای مسافربری را زده مدال می‌دهند. بنده می گویم در آمریکا هم این گونه نیست.

*کوشکی: می‌خواهید بنده برای شما سند بیاورم که آمریکا این گونه هستند.

* زیبا کلام: ایراد نداره شما سند بیاورید که در آمریکا برای این گونه کارها مدال شجاعت می‌دهند. این حرف مسخره است که فرمانده یک ناو آمریکایی مدال شجاعت دادند برای اینکه او یک هواپیمای مسافربری را با موشک زده است. هم گونه که ما می‌خندیم و می‌گوییم که یعنی چی؟ در آمریکا هم این گونه است. در میان اسکی‌موها هم این گونه است و هم خلق خدا این گونه است.

* کوشکی: اینکه شما می گویید مدال نمی‌دهند. من می‌خواهم دو نمونه بگویم آدرس مجله نیوزویک را می‌دهم که در آن نوشته شده، به کسانی که در ناو وینسنس بودند روبان عملیات رزمی اهدا می‌شود و به فرمانده ناو به دلیل رشادت و حفظ آرامش و اعتماد به نفس مدال تمجید خدمت نیروی دریایی داده شد. آدرس صحبت من، مجله نیوزویک ۱۳ جولای ۱۹۹۲.

حالا ممکن است بگویید که آقا اصلاً چنینٍ نیوزویکی چاپ نشده. ممکن است بگویید که مثلاً نیوزویک را سپاه چاپ کرده است. می‌شود رفت و مجله را دید. من دارم یک شماره می‌دهم که فلان مجله آمریکایی این مطالب را چاپ کرده است.

شما می‌گویید که هیچ ملتی این کار را نخواهد کرد. من می‌گویم آمریکایی‌ها این کار انجام داده‌اند. یک بار در همین جا انجام شد، یک بار دیگر هم انجام دادند که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها در این گونه کارها متخصص هستند. شما آدم خیلی خوبی هستید و فکر می‌کنید که اگر فرمانده آن ناو بودید این کار را نمی‌کردید اما خب آنها دکتر زیبا کلام نیستند که آدم شریفی باشند. به آن خلبانی که بمب «مرد چاق» را در ناکازاکی انداخت، مدال دادند یا ندادند؟

اگر می‌گویید ندادند که یک جهانی نمی‌دادند و فقط زیبا کلام می‌داند، اگر می‌گویید دادند که من می‌گویم همان کسی که در شهر ناکازاکی ژاپن بمب می‌اندازد و صد هزار نفر را می‌کشد و به او مدال می‌دهند، با همان منطق به فرمانده ناو وینسنس در این تاریخ و با این جزئیات علاوه بر اینکه به او مدال می‌دهند، بلکه به تمام خدمه ناو روبان رزمی می‌دهند. یعنی به عنوان رزمنده آنها را به رسمیت می‌شناسند. اصلاً دلیل اولی که من می‌خواهم بگویم که آمریکایی‌ها در این ماجرا تعمد داشتند این است که اگر کسی کار اشتباهی انجام دهد و شرمنده باشد به قول شما سرخ و سفید بشود، این آدم چه کار می‌کند؟ این آدم می‌گوید که آقا ما اشتباه کردیم ولی مدال دادن آن هم نه تنها به فرمانده ناو بلکه به تمامی خدمه ناو وینسنس و آن هم به استناد مطلب نیوزویک، این یعنی اینکه یک اتفاقی افتاده.

اگر آقای زیبا کلام معتقد هستند که این مطلب را ما جعل کردیم خب نسخه اصلی این مطلب در کتابخانه کنگره هم موجود است. ببینند که این مطلب را خبرگزاری فارس که آن زمان تأسیس نشده نوشته است و یا من نوشته‌ام و یا پولی داده شده به نویسنده مطلب و یا طرف را خریدیم.

در مورد مدال که آقای زیبا کلام دلیل مستند نیاوردند، تنها ایشان می‌گویند که این دلیل این کار و حرف مسخره است. اتفاقاً من می‌گویم آمریکایی‌ها استاد کارهای مسخره هستند. اولین بار نیست که کار مسخره کرده‌اند و آخرین بارشان هم نخواهد بود.

بحث بعدی اینکه آقای زیباکلام می‌گویند که این کار دروغ بوده. خب برای اثبات دروغ گفتن هم باید ایشان سند بیاورند. اینکه ما بیاییم و ۲۵ صفت منفی را در کنار هم برای آمریکا ردیف کنیم که خیلی از مردم آمریکا این صفت‌ها را ندارند و بعضاً آدم‌های شریف و خوبی دارند این سند نمی‌شود.

از آقای دکتر زیبا کلام به عنوان یک همکار، یک استاد و بزرگ‌تر از بنده توقع دارم که برای تک‌تک ادعاهای خود کد و سند بیاورند. ایشان کار تاریخی انجام داده‌اند، صاحب‌نظر و صاحب تألیف هستند و بهتر از من مفهوم کد و رفرنس و ارجاع را می‌دانند. اینجا این کار را نمی‌کنند چون چیزی در دست ندارند. چون اگر داشتند حتماً ارائه می‌دادند.